



انرژی اتمی و بایسته های اخلاقی آن

میثم امانی^۱

چکیده:

انچه در پی خواهد آمد تبیین چگونگی ارتباط ضروری بین به کارگیری انرژی اتمی و بایسته های اخلاقی است. هر فعلی که متصف به یکی از این هفت مفهوم ؛ خوب یا بد ، صواب و خطا، باید و نباید و وظیفه بشود اخلاقاً الزامی خواهد بود و یک بایسته اخلاقی به شمار خواهد رفت. فرض بر این است که علم و اخلاق و از آن نمونه ، انرژی اتمی و اخلاق نمی تواند گسسته و جدای از هم باشد عوامل و بسترهایی در طول تاریخ و در حال حاضر وجود دارد که این موضوع را پدید آورده است؛ گسست رابطه علم و اخلاق در غرب، کشتار مردم هیروشیما و ناکازاکی و بحران محیط زیست فعلی، عوامل و بسترهایی است که در طول تاریخ و در حال حاضر ، موضوع یادشده را پدید آورده است. با دید اخلاق هنجاری و با عنایت به نظریه غایت گروهی می توانیم بگوییم به کارگیری انرژی اتمی هم آثار مثبت دارد و هم ممکن است آثار منفی داشته باشد. با دید اخلاق توصیفی؛ اخلاق اسلامی ، نیز می توانیم بگوییم که به کارگیری انرژی اتمی بدون در نظر گرفتن اصول و قواعد اخلاق اسلامی میسر نیست و گرنه غیر اخلاقی خواهد بود بنابراین ها، به کارگیری انرژی اتمی لازمه اش، پای بندی به الزامات و بایسته های اخلاقی است.

کلیدواژه ها:

انرژی اتمی . اخلاق . اخلاق هنجاری . اخلاق اسلامی . بایسته های اخلاقی .

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی واحد علوم و تحقیقات تهران - مدرس دانشگاه آزاد واحد اهواز و بهبهان



تبیین موضوع

رابطه علم و اخلاق و نیز رابطه فن اوری (تکنولوژی) و اخلاق یکی از مباحث فلسفه اخلاق است که سابقه ای طولانی دارد. سوال این است که آیا علم و اخلاق دو حوزه گسسته از هم اند یا نه؟ آیا علم بدون اخلاق امکان دارد یا نه؟ به دو صورت در این باره بحث کرده اند: در صورت اول که آن را زمینه نظری می نامیم بحث در این است که آیا علم و اخلاق به عنوان دو حوزه معرفت بشری ارتباط دارند یا نه؟ آیا از لحاظ منطقی یا از لحاظ معرفتی علم و اخلاق به هم پیوسته اند یا از هم گسسته اند؟ پدید آورنده زمینه نظری بحث رابطه علم و اخلاق، دیوید هیوم فیلسوف اسکاتلندی است.

در صورت دوم که آن را زمینه عملی می نامیم بحث در این است که آیا علم در حوزه عمل و به هنگام کاربردی شدن می تواند و بایسته است که جدا از اخلاق باشد یا نه؟ آیا دانشمندان صرفاً می باید به نتایج کار علمی خویش بیندیشند و از اندیشیدن به پیامدها و الزامات اخلاقی کار خویش بپرهیزند یا نه؟ آنچه باعث شد زمینه عملی رابطه علم و اخلاق مورد بحث قرار بگیرد، اثر و عوارض منفی گسست رابطه علم و اخلاق است. آنچه در سطح جهانی پدید آمد و پیامدهای خواسته و ناخواسته ای که در پی داشت، اندیشمندان را واداشت که در این رابطه به تامل بپردازند.

یکی از این رویدادها دست یابی بشر به انرژی اتمی، قدرت آن و عوارض ناشی از بکارگیری نادرست آن است لذا اندیشمندان در این فکرند که انرژی اتمی به عنوان یک علم و فن آوری نباید و نشاید که گسسته از بایسته های اخلاقی باشد و گرنه عوارض منفی خواهد داشت و آن عوارض منفی گذشته از اینکه ماهیت جهانی دارد، جبران پذیر نیست.

به طور کلی دو فرضیه در این مورد وجود دارد:

فرضیه اول این است که بکارگیری انرژی اتمی بی نیاز از کاربست بایسته های اخلاقی است لذا می توانیم آن را به هرگونه که می خواهیم بکار بگیریم ولو اینکه با اصول اخلاقی تنافی داشته باشد و در عمل به پیامدهای منفی بیانجامد.

فرضیه دوم این است که بکارگیری انرژی اتمی نیازمند کاربست بایسته های اخلاقی است لذا نمی توانیم آن را به هرگونه که می خواهیم بکار بگیریم بلکه در صورتی مجاز به استفاده و اعمال و گسترش آن خواهیم بود که با اصول اخلاقی تنافی نداشته باشد و در عمل به پیامدهای منفی بیانجامد.

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت فرضیه دوم است. لذا مبداء تصدیقی بحث، ضرورت هماهنگی میان بکارگیری انرژی اتمی و بایسته های اخلاقی خواهد بود. بدین منظور اولاً به بحث مقدماتی خواهیم پرداخت. مبادی تصویری بحث - مفهوم انرژی اتمی، مفهوم اخلاق و نیز جایگاه بحث از حیث اخلاق هنجاری، اخلاق توصیفی و فلسفه اخلاق را روشن خواهیم نمود. ثانیاً زمینه های موضوع و ثالثاً تبیین موضوع از دو منظر اخلاق توصیفی و اخلاق هنجاری را به بحث خواهیم گذاشت و سراخر به نتیجه گیری خواهیم پرداخت.



مقدمات

مقدمه اول

برای ورود به بحث رابطه انرژی اتمی و بایسته های اخلاقی آن بیش از هرچیزی نیازمندیم که مبادی تصویری آن را بشناسیم. دو مبدا تصویری در این بحث وجود دارد که دانه دانه تبیین خواهیم نمود:

۱- معنای بایسته اخلاقی

گزاره اخلاقی را گزاره ای دانسته اند که مسند الیه آن یکی از افعال ارادی - اختیاری انسان باشد و مسند آن یکی از این هفت مفهوم: خوب یا بد، صواب و خطا، باید و نباید و وظیفه (ملکیان - ۳۷۶) فعل آدمی چنانچه برخاسته از اختیار و اراده او باشد و چنانچه متصف به خوب یا بد، صواب یا خطا، باید یا نباید و وظیفه گردد یک فعل اخلاقی به حساب خواهد آمد و گرنه یک فعل طبیعی است. هر فعلی که متصف به یکی از این هفت مفهوم بشود اخلاقا الزامی خواهد بود و یک بایسته اخلاقی به شمار خواهد رفت. به عنوان نمونه وقتی می گوئیم نوع دوستی خوب است یک گزاره اخلاقی به کار برده ایم و وقتی می گوئیم انسان باید نوع دوست باشد سخن از یک بایسته اخلاقی گفته ایم و این بایسته اخلاقی ریشه اش در گزاره اخلاقی {نوع دوستی خوب است} می باشد.

۲- معنای انرژی اتمی

"ازان روزی که ساختمان اتم به وسیله روتر فورد کشف شد دانشمندان دیگر می دانستند که در هسته مرکزی اتم ها نیروهای انفجاری عظیمی نهفته است. هراتمی مرکب از هسته ای بسیار خرد به نام نوکلئوس nucleus یا هسته مرکزی است که گرداگرد آن الکترون ها در گردش اند... نخستین کشفی که در زمینه شناسایی هسته های مرکزی اتم ها صورت گرفت رادیو اکتیویته بود بدین معنی که معلوم شد اگر بتوان ذرات هسته مرکزی را از هم جدا کرد، رادیواکتیویته ایجاد میشود. معلوم شد که در این هسته مرکزی اتم، انرژی بی حسابی در زنجیر است" (راسل - ۲۶) و ازان به انرژی اتمی یاد کرده اند. به طور کلی انرژی ها را به دودسته تقسیم کرده اند. انرژی های جایگزین پذیر و انرژی های جایگزین ناپذیر. جایگزین ناپذیرها مثل نفت و گاز و جایگزین پذیرها مثل انرژی اتمی. جایگزین پذیری انرژی اتمی و قابلیت استفاده گسترده آن یکی از عوامل اقبال جامعه جهانی امروز به سمت این نوع انرژی است.

مقدمه دوم

برای اینکه جایگاه بحث را بشناسیم ضروری است که بدانیم بحث بایسته های اخلاقی در این مقاله در کدام مبحث اخلاقی می گنجد.

سه رشته درباره گزاره اخلاقی سخن می گویند:

- ۱) اخلاق توصیفی descriptive morality اگر درباره یک قوم یا یک ملت یا یک مکتب یا نظام خاصی و یا درباره یک فرد خاصی گزاره اخلاقی را به کار ببریم، بدان بحث اخلاق توصیفی می گویند.



۲) اخلاق هنجاری normative morality اگر بدون نظر به فرد یا ملت یا مکتب یا قوم خاصی گزاره اخلاقی را به کاربریم و دران سخن از دعوت به چیزی باشد بدان بحث اخلاق هنجاری می گویند.

۳) اخلاق تحلیلی analytic morality اگر پیش فرض ها و مبانی اخلاق هنجاری را مورد بحث قرار بدهند بدین بحث اخلاق تحلیلی یا فلسفه اخلاق philosophy of morality می گویند (ملکیان - ۳۷۷ و فرانکنا - ۲۵)

دراین مقاله سروکار ما با دو شاخه اخلاق توصیفی و اخلاق هنجاری خواهد بود. در شاخه اخلاق توصیفی اختصاصاً اخلاق دینی و از اخلاق دینی اختصاصاً اخلاق اسلامی را مد نظر خواهیم داشت بدین معنا که تنها به آنچه در متون اسلامی راجع به بایسته های اخلاقی آمده و می تواند مبنای تبیین بایسته های اخلاقی کاربرد انرژی اتمی باشد، بسنده خواهیم نمود.

زمینه ها

با توجه به اینکه زمینه منظور نظر دراین مقاله زمینه های عملی است لذا اختصاصاً به آن دسته وقایع و پیامدها نظر خواهیم داشته که درطول تاریخ و به شکل عینی به وقوع پیوسته و زندگی ادم ها را درگیر خویش نموده است.

به نظر می رسد سه زمینه عملی در پدیدآمدن موضوع رابطه انرژی اتمی و بایسته های اخلاقی نقش داشته است:

زمینه اول: گسست رابطه علم و اخلاق درغرب

هرچه به گذشته برمی گردیم، رابطه علم و اخلاق در زندگی علما و دانشمندان مختلف، قوی تر و هرچه جلوتر می آییم رابطه علم و اخلاق در زندگی علما و دانشمندان ضعیف تر می شود تا بدان جا که می توانیم به گفته رنه گنون گسست علم و عمل را از نشانه های دنیای جدید بشماریم (گنون - ۴۶)

درزندگی دانشمندان گذشته یک نظام اخلاقی غایت محور و عینی گرا وجود دارد که همه چیز را به سوی یک هدف واحد می بیند. اجزای طبیعت دراین طرح واره رو به یک مقصد مشترک درحال تحرک و تکاپویند و هیچ یک جدای از دیگری نیست لذا هریک وجودش در پرتو وجود دیگری و با عنایت به کل مجموعه تفسیر می شود.

ارزش های اخلاقی دراین طرح واره عینیت دارند وادمی موظف است خودش را با این گستره هما هنگ و هدفمند، همنا بسازد. این طرح واره چون عینی است، مطلق و همه شمول است و دیگر ازاین فرد به آن فرد و ازاین قوم و گروه به آن قوم و گروه تفاوت نخواهد کرد.

در زندگی دانشمندان جدید، نظام اخلاقی غایت محور و عینی گرا جای خود را به یک نظام اخلاقی سود محور و ذهنی گرا داده است. دیگر خبری از طرح و تدبیر مشترک درکل عالم نیست و دانش جدید همه اشیا را یک مجموعه تصادفی پدید آمده و مکانیکی می داند که نه خبری از نظم دران هست نه شعور و نه غایت. چون ارزش های اخلاقی دراین نظام عینیت ندارند و صرفاً ذهنی اند نه تنها کلیت و



شمول ندارند که الزام سابق را نخواهند داشت و انسان خودش می داند و خودش که چه چیزی را درست بداند و چه چیزی را درست نداند و اگر هم درست بداند باز خودش می داند که بدان عمل نکند یا عمل نکند. آنچه در این میانه محور خواهد بود، سود و منفعت ادمی است نه چیز دیگر و همه ارزش ها تنها در پرتو سود و منفعت مادی معنا خواهد داشت.

ذهنی گرایی به این معنا به نسبی گرایی خواهد انجامید. هرکسی و هر گروهی خود را در باورهای اخلاقی اش محق خواهد دانست و معیار، ذهنیت ادمی و سود او خواهد شد.

بزرگ نمایی علم و آنچه امروز بدان "علم محوری" scienticism می گویند تا آنجا پیش رفت که ادعا کردند می تواند جایگزین اخلاق باشد. به گفته استیس قبلاً دانشمندان بر مجاهده اخلاقی به عنوان عامل بازدارنده خطا تاکید می کردند و لی علم جدید بر قرص ها و آمپول های جایگزین تاکید می کند. (استیس - ۲۱۱) دیگر علم یک هدف مقدس نیست بلکه وسیله تامین خواسته های ادمی است. حالا در نظر بگیرید که این ادمی، مهذب شده و اخلاق مدار نباشد، پیداست که علم را برای اهداف شوم خود استفاده خواهد کرد.

شور و شوق ناشی از دستاوردها و موفقیت های علمی باعث شد که دانشمندان در بعضی حوزه ها موازین اخلاقی را زیر پا بنهند. بی توجهی به محیط زیست موجودات زنده و آلوده کردن آنها و نیز تجاوز به حریم کرامت انسانی در نتیجه توجیه پیشرفت علمی صورت می گیرد.

آن نوع علم که در این گونه موارد منظور نظر است، علم تجربی است لذا هرچه به واسطه تجربه به دست نیاید مقبول نخواهد بود. پوزیتیویست ها به ویژه پوزیتیویست های منطقی و اصحاب حلقه وین می گویند براساس اصل تحقیق پذیری تجربی تنها گزاره ای معنادار است که بتواند از آزمون تجربی موفق بیرون بیاید لذا گزاره های اخلاقی، گزاره های متافیزیکی و گزاره های دینی که قابل آزمون تجربی نیست معنادار نیست. در این صورت ارتباط علم و اخلاق بیهوده خواهد شد. آنچه اهمیت خواهد داشت توجه به دستاوردهای علوم تجربی است و لاغیر (بکر - ۲۱۱)

این گسست وجدایی در صحنه حیات جمعی بشر و حتی در صحنه حیات فردی عوارضی داشت که اندیشمندان را به فکر انداخت که در این باره تامل بیشتری داشته باشند.

اولاً اگر ساحت های وجود ادمی را سه ساحت معرفتی، عاطفی و عملی بدانیم، گسست دوحوزه علم و اخلاق به معنی گسست دوساحت معرفتی و عملی است. انسان که یک واحد یک پارچه است و باید اجزای مختلف وجودی اش با هم سازگار باشند به موجودی لااقل دوپاره تبدیل شد که ساحت معرفتی او، به گونه ای است و ساحت عملی اش، به گونه ای دیگر. بدیهی ترین پیامد این گسست ساحت ها، تعارض روانی است و کشمکش میان نیروهای مختلف در درون ادمی.

ثانیاً دانشمندان بی اخلاق و حتی ضد اخلاق پدید آمده اند که نه تنها به الزامات اخلاقی علم، پای بند نیستند بلکه دانسته های خود را در راه اهدافی دیگر به کار می گیرند. نداشتن روحیه علمی و عدم التزام به روحیه علمی و داشتن انصاف، خودش دروهله اول نوعی بی اخلاقی است و دروهله دوم منجر به اشفتگی روانی و مشکلات روانی در فرد دانشمند خواهد شد و دروهله سوم تاثیراتی منفی بر دیگران



خواهد گذاشت. فرض بگیرید پزشکی که صرفاً آموخته های خودش را برای کسب سود به کار می گیرد و پول بیشتر برای او ارزش دارد ممکن است بیماری را به کام مرگ بفرستد یا صدمه ای جبران ناپذیر به او بزند.

اصولاً اخلاق که نباشد علم به معنای واقعی آن وجود نخواهد داشت. دست یابی به یک نظریه علمی که واقع بینانه باشد مستلزم داشتن انصاف، داشتن جدیت، داشتن روح استدلال محوری است و همه اینها بایسته های اخلاقی اند. عالم ودانشمند اگر نه در پی کشف حقیقت بلکه در پی اخذ سود باشد نه تنها ساحت علم که ساحت روح خویش را آلوده خواهد ساخت.

این گسست علم و اخلاق در تاریخ غرب، حساسیت موضوع انرژی اتمی را بیشتر می کند. امتیازاتی که این نوع انرژی دارد و پیامدهای خواسته و ناخواسته قابل تصور آن، به گونه ای است که اگر ملازم با اخلاق نباشد جبران ناپذیر و غیرقابل برگشت خواهد شد.

زمینه دوم: کشتار مردم هیروشیما و ناکازاکی

وقوع جنگ جهانی دوم در نتیجه زیاده خواهی های آدولف هیتلر و درنهایت کشتار مردم هیروشیما و ناکازاکی، در ششم اوت ۱۹۴۵ با بمب اتمی، چشم ها و گوش ها را نسبت به پیامدها و عوارض منفی انرژی اتمی گشوده است.

سود محوری دولت آمریکا و جنگ طلبی آنها تا آنجا رفت که از علم به عنوان ابزار نابودی بشر استفاده کردند و علم که در طلوع دوره جدید عامل تسلط بر طبیعت، رفاه و پیشرفت بشر شمرده می شد، در نیمه دوم قرن بیستم به عامل نابودی طبیعت و بدبختی بشر تبدیل شد.

برتراند راسل که در آن زمانه حضور داشته و تلاش هایی مستمر برای مهار قدرت ها و توجیه اهمیت موضوع داشته است در کتاب "آیا بشر آینده ای دارد" از این تلاش ها و دیدن ها پرده برداشته است. اهمیت موضوع در نظر راسل به حدی است که او این مسئله را با مسئله آینده بشر و زندگی آینده او برسیاره زمین مرتبط دانسته است. وقوع جنگ سوم که جنگ اتمی باشد می تواند به نابودی حیات بر کره خاکی ما منجر بشود و نه تنها انسانها که بقیه موجودات زنده به همراه اکوسیستم آنها را از بین ببرد.

کشتار مردم هیروشیما و ناکازاکی بیش از پیش اهمیت بایسته های اخلاقی به کارگیری انرژی اتمی را روشن ساخته است. این بایسته ها اگر جدی گرفته بشود به رشد و رفاه بشر خواهد انجامید و اگر جدی گرفته نشود به نابودی حیات بر روی کره زمین خواهد انجامید بنابراین مسئله حیاتی تر از آن است که تصور می شود.

راسل در آخرین فصل کتاب یاد شده می نویسد: « من در لحظه ای تاریک (ژوئیه ۱۹۶۱) به نوشتن مشغولم و نمی دانم آیا نژاد بشر ان قدر دوام پیدا می کند که نوشته من منتشر یا در صورت انتشار قرائت شود یانه اما هنوز امیدواری هست و تا امید وجود دارد ناامیدی از بزدلی است. اینک مهم ترین مسئله



ای که در برابر جهان قرار دارد بدین قرار است که ایا از راه جنگ می توان چیزی به دست آورد که مورد پسند کسی باشد» (راسل-۲۳۸)

راسل براین باور است که بایسته های اخلاقی می تواند جلوی آینده ای فاجعه آمیز برای بشریت را بگیرد. "من در دیده اندیشه خود جهانی سرشار از افتخار و شادمانی می بینم. جهانی که در آن اندیشه وسعت می پذیرد، امید به ناامیدی نمی انجامد و فضیلت به بهانه آنکه به فلان و بهمان هدف بی مقدار آسیب وارد می کند، به عنوان عملی خیانت بار محکوم نمی شود.. اگر بگذاریم آنچه یاد شد، جامه عمل خواهد پوشید. دیگر براین نسل است که میان آن چشم انداز و ختامی که حماقت و دیوانگی، تقریر کننده آنست، یکی را انتخاب کند" (راسل-۲۵۲)

راسل همچنین در کتاب "تاثیر علم بر اجتماع" نوشته است: "در ظرف پنجاه سال آینده بشر باید راه خود را به روشنی انتخاب نماید یعنی از عقل و یا مرگ یکی را برگزیند. منظور من از عقل همان اطاعت از قانونی است که مقامات بین المللی تهیه کرده باشند. من فکر می کنم بشر مرگ را انتخاب خواهد کرد. امیدوارم اشتباه کرده باشم" (راسل - ۱۵۰)

زمینه سوم : بحران محیط زیست فعلی

امروزه به گفته دانشمندان زندگی انسانها از چند بحران رنج می برد که یکی از جدی ترین آنها بحران محیط زیست است. استفاده بی رویه از منابع طبیعی، نادیده گرفتن اکوسیستم موجودات زنده، تصرف نابجا در طبیعت، افزایش آلاینده ها و کمبود بعضی ذخایر طبیعی، شیوع گازهای گلخانه ای و پاره شدن لایه ازن، همه و همگی به بحران محیط زیست انجامیده است. تغییر اقلیم و گرمایش زمین را بزرگترین چالش زیست محیطی قرن بیست و یکم دانسته اند. (بهران و هنر بخش - ۷)

درباره اینکه عامل بحران محیط زیست چیست سه نظریه وجود دارد: نظریه اول که نظریه لین وایت است، براین نظر است که عامل بحران زیست محیطی، این آموزه دینی است که بشر باید بر طبیعت حکومت داشته باشد. نظریه دوم که نظریه لوئیس دابلیو مانکریف است، براین نظر است که گذشته از عامل قبلی ریشه های فرهنگی نظیر سرمایه داری، ایجاد مردم سالاری، شهرنشینی و فرد گرایی در این بحران موثر بوده اند.

نظریه سوم که نظریه پاتریک دو بل است براین نظر است که دنیای غیر دینی و غیر مسیحی شده، ملی گرا، علم زده و لیبرال سده های شانزدهم تا نوزدهم در این بحران نقش داشته اند. (جمعی نویسندگان - ۲۲۲)

اگرچه نمی توانیم در حوزه مسائل روان شناسی، جامعه شناسی و زیست شناسی فقط در پی یک عامل باشیم و باید در پی چند عامل باشیم اما آنچه در این فرصت محل توجه ماست عامل اخلاقی است. چنانچه در نظریه پاتریک دو بل اشاره شده عدم مسئولیت پذیری بشر و بی توجهی به آموزه های دینی



به ویژه آموزه های اخلاقی آن ، باعث بحران محیط زیست شده است. بخشی از این بی اخلاقی متوجه دانشمندان و بخشی دیگر متوجه مردم است.

ارزش محیط زیست و رابطه آن با زندگی بشر ، باعث شده که الان درحوزه اخلاق کاربردی یک شاخه ی جدا به نام "اخلاق محیط زیست" پدید بیاید و به رابطه میان فاعل های آگاه اخلاقی و چیزی هایی که در محیط زیست آنها وجود دارد، بپردازد (همان - ۱۹۵)

آلاینده های هسته ای و تاثیرات زیست محیطی ناشی از آزمایش های اتمی یکی از وجوه بحران محیط زیست است که اهمیتی مضاعف به آن می بخشد زیرا میزان تاثیرگذاری و تخریب گری انرژی اتمی ازبقیه انرژی ها بیشتر است لذا پیامدهای آن به مراتب بدتر خواهد بود.

تبیین

در تبیین مبدا تصدیقی بحث یعنی رابطه ضروری انرژی اتمی و بایسته های اخلاقی از دو منظر به بحث خواهیم نشست و در هر منظر تبیینی جداگانه و اختصاصی از این موضوع به میان خواهیم آورد.

منظر اول؛ اخلاق هنجاری

در شاخه اخلاق هنجاری سه نظریه کلی وجود دارد: نظریه وظیفه گروی *deontological theory* ؛ نظریه غایت گروی *teleological theory*؛ نظریه فضیلت گروی *virtue theory*. در این مقاله تنها از دید نظریه غایت گروانه به سراغ بایسته های اخلاقی به کارگیری انرژی اتمی خواهیم رفت.

غایت گروی را گنسلر به این صورت تعریف کرده است:

«باید کاری را انجام داد که بیشترین پیامدهای خوب را به بار آورد» (گنسلر - ۲۵۲)

فرانکنا در تعریف غایت گروی می گوید :

«ملاک اساسی یا نهایی درست ، نادرست، الزامی و...به لحاظ اخلاقی عبارت است از آن

ارزش غیر اخلاقی که به وجود می آورد. مرجع نهایی مستقیم یا غیر مستقیم باید میزان

خیرنسی ایجاد شده یا غلبه نسبی خیر بر شر باشد» (فرانکنا - ۴۵)

از این بیان ها برمی آید که غایت گروی به دنبال پیامدهای افعال آدمی است. اگر فعل آدمی به پیامدهای خیر منجر بشود اخلاقی و اگر به پیامدهای شر منجر بشود غیر اخلاقی خواهد بود.

غایت گروان در پی آنند که بدانند فعل آدمی چه نوع پیامدی در پی خواهد داشت. اگر پیامدها، منفی باشد نتیجه می گیرند که این فعل را نباید انجام داد و اگر پیامدها، مثبت باشد نتیجه می گیرند که این فعل را باید انجام داد.

از این نظریه می توانیم در جهت تبیین بایسته های اخلاقی به کارگیری انرژی اتمی بهره بجوییم. پیامدهای منفی را می توانیم عوامل بازدارنده و پیامدهای مثبت را عوامل برانگیزاننده بنامیم.

به کارگیری انرژی اتمی یک دسته پیامدهای مثبت دارد و برانگیزاننده است. از این شمار می توانیم به شماره های زیر اشاره کنیم:



- ۱- رفاه بشر. یکی از کارکردهای علم، ایجاد رفاه بشر است لذا به کارگیری انرژی هسته ای می تواند در راه رفاه انسان ها نقش بیافریند.
 - ۲- رشد بشر. یکی دیگر از کارکردهای علم، رشد بشر است. بشر درجهاتی که با ضعف و عقب ماندگی روبروست، به کمک علم خواهد توانست به رشد و پیشرفت برسد. این رشد می تواند به معنای وسیع آن باشد؛ رشد به معنی رشد جسمی، فکری و عاطفی. به کارگیری انرژی اتمی می تواند متضمن رشد بشر باشد.
 - ۳- سود بشر. یکی دیگر از کارکردهای علم، سود بشر است. انسان به واسطه علم خواهد توانست هم به سود مادی دست بیابد هم به سود معنوی. انرژی اتمی در این جهت نیز خواهد توانست در سودرسانی به بشر تاثیرگذار.
- به کارگیری انرژی اتمی یک دسته پیامدهای منفی دارد و بازدارنده است. از این شمار نیز می توانیم به شماره های زیر اشاره کنیم.
- ۱- نابودی بشر. کاربرد بی رویه و نابه جای انرژی اتمی خواهد توانست به ناکار کردن نوع بشر و از بین بردن حیات او بر این کره خاکی بینجامد.
 - ۲- نابودی طبیعت. کاربرد بی رویه و نابه جای انرژی اتمی همچنین خواهد توانست به نابودی حیات بقیه جانداران و موجودات زنده بینجامد به نحوی که ادامه زندگی در این سیاره ممکن نباشد.
- از این دودسته پیامدها آنچه نتیجه می شود این است که به کارگیری انرژی اتمی بسته به بایسته های اخلاقی آن است. اگر دانشمندان و عموم کاربران انرژی اتمی به عوامل برانگیزاننده و بازدارنده توجه داشته باشند، آن را در خدمت نوع بشر قرار خواهند داد و اگر به عوامل برانگیزاننده و بازدارنده توجه نداشته باشند، آن را به ضرر نوع بشر تمام خواهند کرد.
- به عبارت دیگر به کارگیری انرژی اتمی نمی تواند به صورت عنان گسسته و نامحدود و مطلق باشد بلکه مشروط به حفظ بایسته های اخلاقی است. التفات به آنچه این نوع انرژی می تواند به دنبال بیاورد، در تحدید آن تاثیر دارد و عدم التفات به عنان گسستگی آن خواهد انجامید و عنان گسستگی چنانچه گفته شد، به نابودی نوع بشر خاتمه پیدا خواهد کرد.

منظر دوم؛ اخلاق توصیفی

در منظر اخلاق توصیفی به بحث درباره اخلاق دینی در محدوده دین اسلام خواهیم پرداخت. چنانچه از متون اسلامی برمی آید یک دسته بایسته های اخلاقی وجود دارد که می توانیم آنها را به عنوان بایسته ای اخلاقی در بکارگیری انرژی اتمی بشماریم. از این بایسته ها نمونه های زیر اند که یکی یکی اشاره خواهیم کرد.

اول) اولین بایسته اخلاقی این است که به کارگیری علم باید سود و منفعتی برای بشر داشته باشد. در متون اسلامی بارها و بسیار، براهمیت "علم نافع" تاکید شده است. علم چنانچه در متون اسلامی به



کار رفته علم مطلق نیست و نمی تواند آزاد از قیود اخلاقی باشد. اگرچه علم در این رویکرد نه از نظر معلم نه از نظر متعلم، نه از نظر زمان و نه از نظر مکان محدودیت ندارد ولی به گفته استاد شهید مرتضی مطهری: «هر علمی که به منظوری از منظوره‌های فردی یا اجتماعی اسلام کمک می دهد و ندانستن آن سبب زمین خوردن آن منظور می گردد، آن علم را اسلام توصیه می کند و هر علمی که در منظوره‌های اسلامی تاثیر ندارد، درباره آن علم نظر خاصی ندارد و هر علم که تاثیر سوء دارد با آن مخالف است» (مطهری- ۱۸۱ و ۱۸۲)

در دعای بعد از نماز ظهر می خوانیم: «اللهم انی اعوذ بک من علم لاینفع» خدایا من از آن علم که نفعی ندارد، به تو پناه می آورم.

از این بیان می توانیم نتیجه بگیریم که به کارگیری انرژی اتمی چون در بردارنده خیر و منفعت عمومی است، ارزش دارد و قابل استفاده و اعمال خواهد بود لکن ارزش آن بسته به نفع آن است یعنی چون در بردارنده نفع عمومی است ارزش دارد و گرنه به خودی خودش ارزشی نخواهد داشت.

دوم) دومین بایسته اخلاقی این است که علم باید در مسیر هدایت باشد. (گلشنی - ۸۶) در قرآن اشاره شده است که علم گاهی می تواند مایه ضلالت و گمراهی باشد. در آیه ۲۳ سوره مبارکه جاثیه آمده است: {ارایت من اتخذ الهه هواه و اضله الهه علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوه فممن یهدیه من بعد الهه افلا تذکرون} آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی {براینکه شایسته هدایت نیست} گمراه ساخته و برگوش و قلبش مهرزده و برچشمش پرده ای افکنده است. باین حال چه کسی غیر از خدا می تواند او را هدایت کند؟ آیا متذکر نمی شوید؟

در این آیه شریفه تاکید شده است که هوای نفس گاهی می تواند حالت معبود به خود بگیرد و انسان را مطیع خود بسازد. در آن صورت است که هر چه آدمی انجام بدهد نه در جهت صحیح و خداپسندانه که در جهت ناصحیح و شیطان پسندانه خواهد بود. به نوشته مرحوم علامه طباطبایی آن علم که می تواند مایه گمراهی باشد، علمی است که انسان به لوازم آن پای بند نباشد. {طباطبایی - ۲۶۳ و نیز بنگرید به مکارم شیرازی - ۲۶۴} پیداست که یکی از این لوازم، لوازم اخلاقی است و آدمی چنانچه در پی هوای نفس خود باشد دیگر به لوازم اخلاقی علم متعهد نخواهد ماند.

سوم) سومین بایسته اخلاقی این است که علم باید در مسیر استقلال و عزت مسلمین باشد. آیه معروف "نفی سبیل"، شاهد این مدعاست. در این آیه آمده است: {ولن یجعل الهه للکافرین علی المومنین سبیلا} (نساء - ۱۴۱) و خداوند راه نفوذ و سلطه ای را در کافرین بر مومنین قرار نداده است. معنای قاعده نفی سبیل این است که خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را باز نگذاشته و هر گونه راه تسلط کافران بر مسلمانان را بسته است پس کافر در هیچ زمینه ای شرعا نمی تواند بر مسلمان مسلط شود (شکوری - ۳۲۶)



در کتاب "من لایحضره الفقیه" جلد چهارم باب "میراث اهل الملل" روایتی از رسول اکرم نقل شده است که (الاسلام یعلو ولا یعلی علیه). اسلام همیشه علو و برتری دارد و هیچ چیزی بر آن علو برتری ندارد.

مفاد آیه یادشده به انضمام حدیث نبوی این است که حفظ استقلال داخلی و نگه داشتن عزت اسلامی ضروری است (همتی - ۱۱۱) و حفظ استقلال و عزت مندی نیز اخلاقاً ضروری است.

چهارم) چهارمین بایسته اخلاقی این است که علم باید در جهت توانمند سازی مسلمین باشد به گونه ای که دشمنان چشم طمع و تجاوز به حدود اسلامی نداشته باشند. از این بایسته به "اصل قدرت" تعبیر شده است.. به گفته شهید مطهری: «اصل قدرت یعنی اصل توانا بودن. توانا بودن بر این است که دشمن طمع نکند نه توانا بودن برای تو سردشمن زدن. تصریح قرآن است: ﴿واعدوا لهم ماستطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو اله و عدوکم﴾ (انفال - ۶۰) هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید و (همچنین) اسب های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آنها، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

همه مفسرین گفته اند مقصود در "ترهبون" این است که دشمن به خودش اجازه تهاجم ندهد. (مطهری - ۹۷) اصل قدرت اخلاقاً تبیین پذیر است چون مانع تهاجم دشمنان خواهد شد.

پنجم) پنجمین بایسته اخلاقی این است که علم باید به مسلمانان قدرت دفاع بدهد. دفاع کردن جدای از اینکه در فطرت آدمی وجود دارد و آدمی بالفطره درمی یابد که در مقابل عامل بیگانه باید از خویش دفاع بنماید، در متون اسلامی مکرر مورد تاکید واقع شده است.

فقه های ما جهاد ابتدایی را منوط به اجازه شخص معصوم می دانند ولی جهاد دفاعی در زمان غیبت معصوم بر همگان واجب خواهد بود. (شکوری - ۳۶۸)

دفاع کردن در این منظر اخلاقاً ضروری است و یک ارزش اخلاقی محسوب می شود.

ششم) ششمین بایسته اخلاقی این است که علم نباید در تنافی با کرامت ذاتی انسان قرار بگیرد. اصل کرامت ذاتی انسان بارها در متون اسلامی به عنوان یکی از پایه های انسان شناسی بیان شده است. در سوره اسرا آیه ۷۰ می خوانیم: ﴿ولقد کرما بنی ادم...﴾ ما آدمی را گرامی داشتیم. به گفته مرحوم علامه طباطبایی این کرامت ذاتی شامل جنس بشر می شود و دربرگیرنده همه انسانهاست. (طباطبایی - ۲۱۴)

شهید مطهری بارها اشاره کرده اند که اصل کرامت ذاتی محور اخلاق اسلامی است (مطهری - ۱۳۹) به گفته آیت اله مصباح یزدی: «حق کرامت یا حرمت داشتن شخص در جامعه همانند حق حیات از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. انسان یک موجود اجتماعی است و وقتی می تواند به رشد و تکامل خویش ادامه بدهد که بتواند از مواهب الهی اعم از مادی و معنوی، فردی و اجتماعی بهره مند باشد... پس اولاً حفظ حرمت و شخصیت انسان لازم است ثانیاً نسبت به هوانسانی باید این امکان فراهم گردد که هم او و هم انسان های دیگر بتوانند از امکانات و نعمت های موجود جهت نیل به تعالی و کمال مطلوب بهره بگیرند. (مصباح - ۲۶۰)



هفتم) هفتمین بایسته اخلاقی این است که علم باید هدفی نوع دوستانه داشته باشد. نوع دوستی جزو ارزش های نظام اخلاقی اسلام است. به گفته شهید مطهری توسعه خودی انسان از خود فردی و گسترش آن به خود انسانی، پایه نوع دوستی به شمار می رود ولی چنانچه در بیان ایشان تصریح شده است این نوع دوستی باید در مسیر انسانیت باشد نه در جهت خلاف آن (مطهری - ۱۷۱)

بدیهی است که نوع دوستی اخلاقاً کارپسندیده ای است لذا می شاید که در بکارگیری علم و فن آوری بدان اهتمام بشود.

هشتم) هشتمین بایسته اخلاقی این است که علم باید در مسیر صلح بشری قرار بگیرد. در سوره نساء ایه ۱۲۸ آمده است {والصلح خیر} صلح بهتر است. به نقل تفسیر نمونه مراد از این آیه این است که صلح در هر صورت بهتر است و این یک قاعده کلی است که صلح را اصل اساسی زندگی بشر قرار می دهد. برخلاف دیدگاه مادی مسلک ها که اصل اساسی زندگی بشر را تنازع بقا و ستیز تز و آنتی تز و سنتز می دانند، طبق دیدگاه الهی مسلک ها، صلح و دوستی، اصل اساسی زندگی بشر است و نزاع و درگیری، یک فرع و استثنا به شمار می رود و نتیجه عمل شیطان است. (مکارم شیرازی - ۱۵۲)

در آیه ۲۰ سوره بقره می خوانیم: {یا ایها الذین امنوا ادخلو فی السلم کافه..} ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی از در صلح و آشتی در آید.

از این بایسته به روشنی معلوم می شود که علم نمی تواند ناهمنا با اهداف صلح آمیز باشد.

نتیجه گیری

موضوع مقاله پیش رو این است که بکارگیری انرژی اتمی می باید ملازم با بایسته های اخلاقی باشد. سه زمینه عملی مهم وجود دارد که موضوع مورد بررسی در این مقاله را پدید آورده است. اول گسست رابطه علم و اخلاق در غرب است. دوم کشتار مردم هیروشیما و ناکازاکی است و سوم بحران محیط زیست فعلی.

برای تبیین اینکه چگونه می باید بایسته های اخلاقی بکارگیری انرژی اتمی را اثبات پذیر ساخت، دو شاخه اخلاق هنجاری و اخلاق توصیفی می تواند به ما کمک بدهند.

اخلاق هنجاری و از میان نظریه های مطرح در این شاخه، نظریه غایت گروهی نشان می دهد که به کارگیری درست انرژی اتمی می تواند نتایج مثبت داشته باشد و از آن جمله اند: رفاه بشر، رشد بشر و سود بشر. می تواند نیز نتایج منفی داشته باشد که از آن جمله اند: نابودی بشر و نابودی طبیعت.

اخلاق توصیفی البته حوزه اخلاق اسلامی چنانچه در متون اسلامی ذکر شده است هشت بایسته اخلاقی در اختیار ما قرار می دهد که طبق آنها بکارگیری انرژی اتمی اولاً باید سود و منفعت داشته باشد. ثانیاً در جهت هدایت باشد. ثالثاً در مسیر استقلال و عزت اسلامی باشد. رابعاً در خدمت توانمند سازی مسلمان ها باشد. خامساً به مسلمانان قدرت دفاع بدهد. سادساً در تنافی با کرامت ذاتی انسان قرار نگیرد. سابعاً همراه با نوع دوستی باشد و ثامناً در مسیر صلح جویی باشد.



بنابراین به کارگیری انرژی اتمی محدود به یک دسته بایسته های اخلاقی است و اگر این بایسته های اخلاقی به کارگرفته نشود، ممکن ضربات و صدمات جبران ناپذیری به بار بیاورد که مهم ترین آنها وقوع جنگ جهانی سوم ، جنگ هسته ای است. هابسبام مورخ معاصر گفته است: "از میان رفتن خطر جنگ جهانی دورنمای جنگ هایی را منتفی نمی کند که احتمال استفاده از سلاح های هسته ای در آنها وجود دارد" (هابسبام - ۲۰)





منابع

- ۱- استیس. والتر ترنس. دین و نگرش نوین. ترجمه احمد رضا جلیلی. حکمت. ۱۳۸۱. تهران
 - ۲- ملکیان. مصطفی. تاریخ فلسفه غرب. جلد اول. پژوهشکده حوزه و دانشگاه. ۱۳۷۹. قم
 - ۳- جمعی نویسندگان. اخلاق کاربردی. پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی. ۱۳۸۶. قم
 - ۴- بران. دکتر صدیقه و هنربخش. نازلی. تغییر اقلیم، گرمایش زمین، چالش زیست محیطی قرن بیست و یکم. پژوهشنامه ویژه محیط زیست. شماره ۲. مرکز تحقیقات استراتژیک. تابستان ۱۳۸۵. تهران.
 - ۵- همتی. همایون. سنت و سیاست در اسلام. اوای نور. ۱۳۷۳. تهران.
 - ۶- شکوری. ابوالفضل. فقه سیاسی اسلام. دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۳۷۷. قم
 - ۷- مطهری. مرتضی. بیست گفتار. صدا. ۱۳۸۷. تهران.
 - ۸- گنون. رنه. بحران دنیای متجدد. ترجمه ضیاء الدین دهشیری. امیرکبیر. ۱۳۷۸. تهران.
 - ۹- طباطبایی. محمدحسین. ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. انتشارات اسلامی جلد ۱۶ و ۱۲. ۱۳۷۴. قم
 - ۱۰- مکارم شیرازی. ناصر. تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه جلد ۲۱ و ۴. ۱۳۷۴. قم
 - ۱۱- مطهری. مرتضی. فلسفه اخلاق. صدا. ۱۳۶۶. تهران.
 - ۱۲- مصباح یزدی. محمد تقی. مشکات (مجموعه اثار ۱- ۴/۶) نظریه حقوقی اسلام. جلد اول. موسسه امام خمینی. ۱۳۸۸. قم
 - ۱۳- مطهری. مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. صدا. ۱۳۸۶. تهران.
 - ۱۴- فرانکنا. ویلیام. کی. فلسفه اخلاق. ترجمه هادی صادقی. طه. ۱۳۷۶. تهران.
 - ۱۵- بکر. لارنس. سی. تاریخ فلسفه اخلاق غرب. ترجمه گروهی از مترجمان. موسسه امام خمینی. ۱۳۷۸. قم
 - ۱۶- راسل. برتراند. آیا بشر آینده ای هم دارد؟ ترجمه م. منصور. مرواید. بی. تا. تهران
 - ۱۷- راسل. برتراند. تاثیر علم بر اجتماع. ترجمه محمود حیدریان. دهخدا. ۱۳۴۳. تهران
 - ۱۸- گنسلر. هری. جی. درآمدی جدید به فلسفه اخلاق. برگردان حمیده بحرینی. اسمان خیال. ۱۳۸۵. تهران
 - ۱۹- گلشنی. مهدی. از علم سکولار تا علم دینی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۸۰. تهران
- هابسبام. اریک. جی. جهان دراستانه قرن بیست و یکم. ترجمه ناهید فروغان. قطره. ۱۳۸۲. تهران